



مزرعه ی کدو تنبل



نام من شیرین است. هفته ی گذشته، در یکی از روزهای زیبای پاییزی



رفتیم. ما سوار یک

من با مادر و برادرم به مزرعه ی کدو تنبل



و ما از این

گاری شدیم که به تراکتور بسته شده بود. گاری پر از کاه بود



سواری لذت بردیم.



وقتی به مزرعه ی کدو تنبل رسیدیم، من و برادرم چند کدو تنبل

کوچک و نارنجی انتخاب کردیم. مادرم هم یک کدو تنبل بزرگ برداشت تا با آن غذا و



کیک درست کند. در هنگام برگشتن مادرم از فروشگاه‌های که در



مزرعه بود چند سیب قرمز خرید. آن روز به ما خیلی خوش گذشت.

واژه ی تازه

مزرعه : **کشتزار**، **جا و مکانی** که کشاورزان در آن جا دانه های میوه، سبزیجات و گل می کارند و از آن ها نگهداری می کنند تا برایشان میوه و یا سبزی و یا گل بدهند. کشاورزان در مزرعه از حیواناتی مانند گاو، گوسفند و



مرغ و خروس هم نگهداری می کنند.

نکته ی دستوری: فعل زمان گذشته

شیرین و برادرش در گاری **نشستند**.

در مزرعه ی کدو تنبل به به بچه ها خیلی **خوش گذشت**.

ما به فروشگاه **رفتیم**. در فروشگاه کدو تنبل و سیب **خریدیم**.

در جمله های بالا واژه های **نشستند**، **خوش گذشت**، **رفتیم** و **خریدیم** واژه هایی هستند که انجام شدن کارهایی را در زمان گذشته نشان می دهند. هر یک از این واژه ها فعل زمان گذشته می باشند.

